

✽ خدارا بچه باید شناخت ✽

قل انظروا ماذا فی السموات | بگو بنگرید که چه چیز است در
والارض (قرآن) آسمانها وزمین (ترجمه)

من از آنان نیستم که شناسائی آفریدگار را برای مردمی که هم سنک اندیشه وهوش مند از جز راه آثار بزرگی خدای دانم و نیسته های خود را از برهانهای عقلی که در کتب حکمت مدونست و یا دیگر برهانها که تنها فکر کنج کاو بدان ها تیر رس است انباشته کنم وهمان دلیل پیره زن را خوش ترین گواه دانم- آری هر رشته را ریسنده و هر گردنده را گرداننده ایست

قرآن نیز که سفرنامه روح انسانست. آیاتی را که نشانه قدرت وعلم وخکمتند رهنمای شناسائی آفریدگار قرار داده - پیمبران هم همین شیوه دلپسند را داشته اند. آیا نبشته های دانشمند بهترین گواه دانش وی نیست وآیا مرد افکنی و لش-گر شکنی رزم آور خوش ترین دلیل شجاعت وی نیست - چه اندازه نادانی است که کسی از آثار دانائی وتوانائی که تیر رس فهم هر کس است چشم پوشد وبگفتارهاییکه که جز خردمند تیغ بین آنرا در نیابد بکوشد

بنا بر این باید بانار قدرت وحکمت آفریدگار پرداخت- لکن باید دانست که کمال آفریدگار را آنکسی شناسد که کمال آفریده را شناخته باشد همچون پیشه وری که بر موزیشیه آگاه است ولی دیگران جز صورت نینند- مثلا نقاشی داند که نقش بند چه هنری در صورتی که کشیده است بکار برده - و یا بناء فهمد که فلان معمار در ساختمان بنائی چه مهارتها نموده است. اما دیگران که اهل فن نیستند از آن

بیخبرند - بنا براین دانشمند فلکی داند که در این ستارگان معلق و نور افکنهای آویزان چه قدرتی آفریدگار بکار برده است و گیاه شناس داند که در انواع گیاهها چه بدایع و طرفه کاریها شده است و تشریح دان فهمد که در اعضای هر حیوانی چه جهازهایی آفرینش شده است اکنون دانه از گندم را که در هر روز میلیونها خروارش خوراك آدمیانست نگرسته و ازینکه همان یکدانه هزارها مانند خود را بر اثر ازدواج با آب و خاک بزاید گفتگو کنیم . همان نظفه که در آدمی و دیگر جاندارانست (که در نتیجه ازدواج تولید مثل کنند) در دانه گندم و دیگر بذرها نیز هست که وقتی در زیر دست کارگران جهان افتاد مانندهای خود را بزایند و نیز در آن قوه ایست که بواسطه رگهای موئی که در آن است از آب و خاک تغذیه کند - آب و خاک غذای آنست و سبب فزونیش همان لکن باید دانست که در هر زمینی نرود و در هر جا که افتد راه فزونی ننویسد بلکه باید در زمینی هموار و سست افشاند که آب بدان برسد و هوا در آن فرورود از آنجائیکه هوا بخودی خود در درون زمین فرو نمیرود آفریدگار دانا بادها را آفرینش کرد که بوزند و هوارا بفشارد بر زمین زشت تا در عمق و درون آن فرورود

پس تغذیه هر دانه گندم بر چهار چیز مبتنی است زمین و آب و هوا و حرارت - اکنون باید دانست که هر يك از آن ستونهای چهار گانه از کجا بر خواسته است و این خود داستانیست که یاد کردنش را کسبتایی جداگانه لازم است لکن در اینجا از نبشتن نکته ناگریزیم و آن حکمت آفرینش کوه هاست که خزائن جهانند و گرانبهارترین جواهر چنان خزائن آب است که مایه زندگانی هر حیوان و گیاه است

و کوه‌ها سرپوشی را مانند باشند که از صعود آبها که نتیجه تبخیر است جلو گیری کنند - بنا بر این آبها در چنان منبع های محکم یافتند و در هنگامیکه ابرها از ریزش باز ایستند آبهای زلال خود را بیرون فرستند و بمناسبت ارتفاع و بلندی که خاصیت هر کوهی است آبهای آنها بتمام فراز و نشیبهای روی زمین برسد تا در هر کجای زمین که دانه افشانده باشند بروید و بسپط زمین بگیاههای گوناگون سبز و خرم گردد

دل هر ذره را که بشکافی - خروارها کتاب حکمت در آن یابی تا کنون آنچه نبشته شده است و دانشمندان از دیر زمان بدست آورده اند و در نامه های گرانبهای خود نگاشته اند قطره از دریای حکمت بیش نیست - در بزرگی جهان همین بس که نبشته است که تمامی نبشته های نویسندگان از او برداشته شده است آدمی که یکی از جهانیان است چه دانشها که از چگونگی او فرینش زایش کرده و چه نبشته های سودمندی از بدایع ساختمانش برداشته شده است

از روانش علم الروح و از اعضایش علم تشریح و از اعمال هر یک از اعضایش علم وظایف الاعضاء و از صحت و مرضش علم طب و از کردارش علم اخلاق و علم تدبیر منزل و سیاست مدن و تدبیر امور لشگری و کشوری و از اندیشه اش علم منطق و از گفتارش نحو و صرف و معانی بیان و از نظمش عروض و قافیه و قریض و از آهنگش موسیقی و از نگارشش علم انشاء و از هوشش علم فراست و از اندامش علم قیافت و جز اینها

علمومیکه نام برده شده از یک فریده زایش کرده که نامش انسان است - اکنون دیگر جهانیان را نبگریسته یا آنکه هنوز زیر

اندیشه کامل انسان نیفتاده نخست فلکیات که از هیئت عالم و ستارگانی که در فضا پراکنده اند و گزارش های آنها تا اندازه که اندیشه آدمیان بدان رسد بحث کند. و جغرافیا که از کره زمین و آرمیدگان آن سخن راند. و الیاده و جغرافیا که از کره هوا و ابخره متصاعده و کائنات جویه: مانند ابر و باران و برف و تگرگ و قوس و قرح و رعد و برق و هاله و صاعقه و کهربا و جوی و بادهای و جزاینها گفتگو کند و آید و جغرافیها که از آبها و بخارها و چشمه ها و نهرها و رودها و آبشارها و دریاها و آبهای معدنی و موج دریائی و جزر و مد و آبهای منجمد قطبی و جزاینها شرح دهد و ژئولوژیها که از طبقات زمین و اراضی اولیه و ثانویه و طبقه ناریه و کوهها و درجه ارتفاع آنها از سطح محیط و چگونگی ساختمان کره زمین و معادن و جزان بحث کند و علم موالید ثلثه که حیوان شناسی و گیاه شناسی و معدن شناسی عبارت از آن است و علم فیزیک که از خواص و آثار عمومی اجسام گفتگو کند و همین علم است که پیشه های بزرگ از او برخاسته و صنعت های گوناگون بر اثر آن پدیدار گشته است و علم شیمی که از آثاریکه در اجسام تغییر کلی میدهند بحث کند و بطوره که موضوع آن امراض چهار پایان است و زردقه که پایه آن ناخوشی های پرندگان است و ریاضیات و الهیات و طبیعیات و تجمیم و علم مناظر و مرایا و رسم (نقش) و فلاح و جز اینها که بشماره دیر آید

آیا چنین کتابیکه ریشه کتابها و علمهاست و از هر نبشته استوار تر و پاینده تر است و سطور آن محو نشدنی است از جز نویسنده دانائی توان باور داشت

آری جهان صحیفه است که سوران انواع موجودات و آیات

آن يكايك آفریدگان است شگفتا با این همه دقتی که در آن بکار رفته همه کس را دست رس است و عارف و عامی آنرا تواند خواند و دانا و نادان از مطالعه سطرهای آن بهره ورنند . کدام نویسنده توانست کتابی بنگارد که درخور فهم هر کس باشد آفرین بر نویسنده کتاب تکوین و نگارنده جهان و جهانیان که عارف و عامی را از آن کتاب کامروا کرد . و تبارك الله که بر گهای درختان را که اوراق دفتر معرفتند در دبستانهای شبانه روزی آدمیان نهاد

اوخ که طبیعت پرست را دلی باژگونه است و با آنکه خود داند که هنوز از کتاب تکوین يك درس آنهم ابتدائی بیش نخوانده است با این حال از نگارنده آن بیخبر است و کور کورانه طبیعت را ستایش میکند . لکن ندانسته که ستایش طبیعت از ستایش آفریننده آن بدر نیست همچون ستایش نقش دلپذیر که از ستایش نقاش بدر نباشد باید گفت سرانجام دانش بیدانشی است زیرا هر اندازه آدمی در دانش گام فرا پیش نهد بیند که هنوز قدمی چند پیش نرفته است این علومیکه زیب جهان آدمی است جز قطره از دریای بیگران آفرینش نیست راست گفت خدای دانا در قر ن (ا) اگر دریاها برای باز کردن سخنان خداوند مر کب گردد؛ دریاها تمام شود پیش از نکه سخنان ایزد بیچون تمام گردد هر چند کمکها بدریاها و نویسندگان برسد .

فوسا که طبیعت پرست را چشم دیگر نیست که در پس نقش و نگارهای جهان نقاش ازلی را به بیند و گزافه گوئی هائیکه از دانا بر نخیزد نسراید . هم چون کر بکه در برابر سخنوری دانا نشنید و جز جنبش دهان و زبان چیزی نیند . و یاهم چون کوری که در برابر صاحب جمالی نشیند و بهره دلارای ویرا که زداینده زنگ دل است و گزارنده پای

آشفته‌گان در گل نه‌بیند و از مشاهده چنان جمال تمتع بر نگیرد
جهان بسی بزرگ و بدید آورنده‌اش از آن بزرگ‌تر است -
کدام کس توانست پیوستگی‌های اجزای جهان که هم چون خطو
خال و چشم و ابروست و هر یک بجای خویشتن نیکو بفهمد. و یا کدام
کس توانست سوده‌های سودها و نتایجی که بر جهان ابداع و تکوین
مترتب است دریابد

مدون‌ها سال بر آفتاب گذشته و یکنواخت گردش خود را کرده
است کمی چنان توانائی و نیرومندی را بوی داد؟ ستاره‌گان که
مسافرین و ره‌نوردانی مانند باشند که پیوسته در سیرند از این سیاحان
جهان که یک‌روی هوا پیمایند چه کسی آگاهی یافت و مقصد پراک
پویند و محرابگی را که جویند که دانست؟ نور افکنهای عالم بالا
و گزارشهای آنها بر ما مجهول و علم ما هنوز نتوانسته است بحقایق
آنها پی برد - با این حال هنوز ما نتوانستیم نوامیس کائنات زه‌ین را
که زیست‌گاه ماست بفهمیم بلکه هنوز نتوانسته‌ایم جانداران خانه
خود را بشناسیم بلکه هنوز نتوانسته‌ایم از کشور بدن خود آگاهی پیدا
کنیم و بدانیم که در بدن ما غذا چگونه خون میگردد و قبض و بسط
دلها را چه باعث است از کارخانه معده و کبد و کلیتین و ریتین و قلب و
طحال چه کسی بدرستی و راستی آگاه گشت و اعمال آنها را درست دریافت
آنچه در بدن آدمیانست با کمی اختلاف در تمام حیوانات حتی
مورچه و پشه یافت میشود - این جهازهای منظم را که مایه زندگانی
هر جنبنده است آیا میتوان از جز حکیم دانائی دانست؟

همایون. مقاله فوق گفتاریست از کتاب (رهبر) تألیف فقیه نیه آقای
سید علی اکبر بر قعی قمی که بزودی چاپ خواهد شد برای اینکه
خوانندگان بهای این کتاب سودمند را بشناسند در اینجا نگاشتیم